



واکاوی مشکلات امنیتی فرار گروه‌های تروریستی از عراق و سوریه

فرار مبارزان خارجی گروه‌های تروریستی داعش و جبهه النصره از عراق و سوریه در شرایط فروپاشی سازمانی آنها، پیامدهای امنیتی قابل توجهی در کشورهای عربی به جای می‌گذارد.

به گزارش آران نیوز: مرکز مطالعات راهبردی و سیاسی الاهرام در مقاله‌ای به بررسی پدیده مبارزان خارجی گروه‌های تروریستی به عنوان یکی از نمادهای اساسی ارتباط بین درگیری‌های موجود در جهان عرب و اسلام با یکدیگر پرداخته و افزود که به نظر می‌رسد نمونه سوریه و عراق دو مورد از بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین درگیری‌های موجود در مقایسه با درگیری‌های جهادی سابق در افغانستان و چین و عراق از زمان اشغالگری آمریکا در سال 2003 است که به مراکز اصلی جذب عناصر مبارز عرب و خارجی تبدیل شده است.

با توجه به تحولات پرشتاب جنگ موصل که به ضرر داعش در جریان است و همچنین با توجه به نزدیک شدن زمان آغاز جنگ برای پاک سازی شهر الرقه از دست تروریست های داعش این احتمال وجود دارد که سال 2017 سال بازگشت عناصر مبارز از سوریه و عراق باشد. به این ترتیب این سال، سال سختی برای سرویس‌های امنیتی بیشتر کشورهای منطقه خواهد بود. درست است که در سه سال گذشته موج متفاوتی از بازگشت برخی عناصر مبارز به کشورهای مقصد شکل گرفته است، اما آزادسازی دو شهر موصل و الرقه باعث خواهد شد بزرگ‌ترین و متمرکزترین نقطه بازگشت قابل انتظار این عناصر شکل بگیرد. با هر وجب از خاک اراضی عراق و سوریه که از دست گروه‌های تروریستی آزاد می‌شود، بیش از پیش به زمان بروز این پدیده و مقابله با خطرهای و چالش‌های آن نزدیک می‌شویم. هزاران نفر از کسانی که تجربه مبارزه در صفوف گروه تروریستی جبهه النصره و داعش در عراق و سوریه را پیدا کرده‌اند، به عنوان مبارزان باتجربه، با صلابت بیشتر در مقابله با سرویس‌های امنیتی به کشورهای خود باز خواهند گشت. آنها در حالی به کشور خود می‌آیند که به عناصر مسلح تبدیل شده‌اند که تجربه بالایی در استفاده از سلاح و مواد منفجره به دست آورده‌اند و با تکنیک‌های غیر معمول آشنایی پیدا کرده‌اند و بیش از پیش می‌توانند از آنها استفاده کنند. این موضوع باعث می‌شود آنها گرایش و تمایل بیشتری به سمت افراط‌گرایی پیدا کنند و فرصت بالاتری برای آموزش نسبت به ادامه خشونت و تروریسم در کشورهای خود داشته باشند.

آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار خواهد گرفت، بررسی خطر عناصر مسلح تروریست است که از سوریه و عراق به کشورهای اصلی خود باز می‌گردند. این موضوع از سه منظر مورد بررسی قرار می‌گیرد: بحث اول در رابطه با ارزیابی تقریبی موج مهاجرت این عناصر از عراق و سوریه است. در مرحله دوم تلاشی برای ارزیابی خطرات احتمالی در نتیجه بازگشت این افراد به کشورهای خود صورت می‌گیرد و در مرحله آخر نیز تأثیر سیاست‌های این کشورها نسبت به خطرات احتمالی آینده در نحوه تعامل با مبارزان بازگشته از این کشورها بررسی می‌شود.

اول: ارزیابی حجم بازگشت مبارزان خارجی از سوریه و عراق

آمار دقیقی در رابطه با تعداد مبارزان خارجی وجود ندارد. شاید بتوان در این رابطه آمار مرکز ملی مبارزه با تروریسم در آمریکا را جزو دقیق ترین آمارها به شمار آورد. این موضوع در نتیجه حجم لیست های آماری است که این مرکز در اختیار داشته است. براساس گزارشی که این مرکز در فوریه سال 2015 منتشر کرده، تعداد مبارزان خارجی در سوریه و عراق بالغ بر 20 هزار نفر بوده است که تابعیت دست کم 90 کشور را دارند. براساس همین گزارش تنها 3400 نفر از این افراد از آمریکا و اروپای غربی به این دو کشور وارد شده‌اند. اکثریت مبارزان خارجی در صفوف داعش و جبهه النصره از کشورهای اسلامی و به ویژه جهان عرب هستند.

همچنین براساس آماری که در اواخر سال 2016 منتشر شده، تعداد مبارزان خارجی از کشورهای منطقه در میان صفوف جبهه النصره و داعش به شرح زیر است: تونس بین (3000 - 7000 مبارز)، عربستان سعودی (2500 مبارز)، اردن و مغرب (1500 مبارز برای هر کدام). ارزیابی‌های منتشر شده در رابطه با عناصر مبارز از مصر متفاوت است. منابع مختلف این تعداد را بین 350 نفر تا 600 نفر ارزیابی می‌کنند و برخی آمارها نیز از حضور بیش از 1000 مبارز مصری در سوریه خبر می‌دهد. همچنین درگیری‌های سوریه باعث جذب افراد از برخی کشورها شده است که قبلاً سابقه چنین گرایش‌هایی نداشتند. به عنوان مثال از کشوری مثل ترکیه بین 400 تا 1400 مبارز تندرو به صفوف گروه تروریستی داعش و جبهه النصره پیوسته‌اند. این در حالی است که شمار واقعی این تعداد در حال حاضر بسیار بیشتر از این رقم ارزیابی می‌شود.

دوم: پیامدهای احتمالی بازگشت تروریست‌ها برای جهان عرب

ما درصدد بررسی تأثیرات بازگشت عناصر مبارز از سوریه و عراق به کشورهای خود در سطوح تروریسم و تندروی در جهان عرب هستیم، اما به نظر می‌رسد مقایسه مطلق تجربه درگیری‌های گذشته در بررسی این موضوع گمراه کننده باشد. علت این موضوع به دو چیز برمی‌گردد. اول اینکه نمونه سوریه و عراق بزرگ‌تر و پیچیده‌تر از نمونه‌های درگیری‌های مشابه در گذشته بوده است. دوم اینکه هر درگیری در منطقه ویژگی‌ها و مشخصه‌های خاص خود را دارد و ممکن است تأثیرات متفاوتی نسبت به درگیری‌های دیگر داشته باشد. به عنوان مثال تأثیر درگیری‌های عراق در سال 2003 بعد از اشغالگری آمریکا در این کشور به

اندازه تأثیر درگیری‌ها در افغانستان در پی اشغال شوروی سابق نبوده است. درگیری‌های افغانستان نه تنها نقش اساسی در بروز گروه تروریستی القاعده داشته است، بلکه باعث افزایش تعداد گروه‌های جهاد گرا در دنیای اسلام نیز شده است. این درگیری‌ها و موج خروج مبارزان از افغانستان و ورود آنها به کشورهای خود همچنین مواضع گروه‌های سلفی جهادی در الجزایر و مصر و لیبی و یمن و دیگر کشورها را تقویت کرده و باعث پدید آمدن خشونت و تندروی بیشتر در این کشورها شد. اما در درگیری‌های مربوط به عراق پس از اشغالگری آمریکا، با وجود اینکه تعداد زیادی از مبارزان عرب به این درگیری‌ها پیوستند، اما بازگشت این عناصر تبعات زیادی مشابه سال‌های دهه 70 و 90 قرن گذشته میلادی به جای نگذاشت. البته همچنان بررسی تجربه‌های گذشته برای ارزیابی حجم خطرات ناشی از بازگشت مبارزان مفید خواهد بود.

از سوی دیگر این موضوع که هر فرد مبارز بازگشته از عراق و سوریه به صورت خودکار بلافاصله بعد از بازگشت به کشور وارد عملیات تروریستی شود، سخنی غیردقیق به نظر می‌رسد. روش کلی که برخی از کتاب‌ها در رابطه با پیوستن گروه‌های بازگشته از افغانستان به گروه‌های تروریستی ارائه می‌دهند نیز غیر دقیق است. برخی از آنها بعد از بازگشت به کشورهای خود به شخصیت‌های مطرح در قبیله و عشیره خود تبدیل شدند. برخی دیگر از سوی دولت‌های عربی به کار گرفته شدند. به عنوان مثال دولت یمن در جریان جنگ‌های داخلی سال 1994 عناصر بازگشته از افغانستان را به عنوان پیاده نظام برای مبارزه با گروهک‌های مارکسیست و جدایی طلب در جنوب یمن به کار گرفت. برخی از این افراد نیز هرگز به سرزمین‌های خود بازنگشتند، بلکه به مناطق دیگری که درگیری‌ها در آن ادامه داشت، رفتند تا به مبارزه خود ادامه دهند.

البته آنچه که گفتیم به این معنا نیست که مسائل در روند طبیعی خود قرار خواهد گرفت و خطرات ناشی از بازگشت عناصر مبارز به کشورهای خود زیاد نیست. در بسیاری از مثالها می‌بینیم که افغان عرب از افغانستان به کشورهای اصلی خود بازگردند، خطرات زیادی را برای این کشورها ایجاد کردند. این خطرات بر تحولاتی که بعد از بازگشت عناصر مبارز از عراق و سوریه به کشورهای خود در آینده مشاهده می‌شود، منطبق خواهد بود.

اگر تمام مطالب فوق را مد نظر قرار دهیم، می‌توانیم پیش‌بینی کنیم که تأثیرات مبارزان بازگشته به مناطق عربی به ویژه برخی نگرانی‌ها در رابطه با تجربه مبارزات آنها ولو به صورت جزئی در برخی مناطق تحقق پیدا کرده و به نظر می‌رسد در برخی مناطق دیگر نیز در آستانه تحقق باشد.

ورود عناصر مبارز بازگشته از عرصه‌های جنگی در اقدامات خشونت‌آمیز و تروریستی

نگرانی‌ها در رابطه با ورود برخی عناصر مبارز مسلح بازگشته از سوریه و عراق در اقدامات خشونت‌آمیز و تروریستی در داخل کشورهایشان مدتی است در برخی کشورهای عربی از جمله عربستان، تونس و مصر و دیگر کشورها تحقق پیدا کرده است. در دوره حاکمیت محمد مرسی تبلیغات کنندگان اسلامگرا که عمدتاً از سوی اخوان المسلمین حمایت می‌شدند، جوانان این کشور را برای سفر به سوریه ترغیب می‌کردند. خالد القزاز از مشاوران ارشد محمد مرسی با اعلام این که مصر هرگز جوانان بازگشته از سوریه را مجازات نمی‌کند، این دیدگاه که آنها می‌توانند به تهدیدی بر ضد کشور تبدیل شوند را رد می‌کرد. اما بعد از آن مشخص شد که مبارزان مصری گروه‌های تروریستی که از سوریه بازگشتند، به تهدیدی برای مصر تبدیل شدند و در حملات تروریستی در این کشور شرکت کردند. مهم‌ترین نمونه از این روند فیلمی ویدئویی بود که سازمان تروریستی انصار بیت المقدس در اکتبر سال 2013 منتشر کرده و حضور خود در پشت عملیات تلاش برای ترور سرتیپ محمد ابراهیم وزیر کشور سابق در سپتامبر 2013 را اعلام کرد.

به کارگیری افراد بازگشته به عنوان پلی بین سازمان‌های جهادی خارجی و گروه‌های تروریستی بومی

نگرانی دیگری که وجود دارد این است که ممکن است گروه‌های تروریستی موسوم به جهادی به دنبال تلاش برای تشکیل گروه‌های بومی حامی خود با استفاده از این افراد باشند یا بخواهند از آنها به عنوان پل ارتباطی گروه‌های خارجی و داخلی استفاده کنند. این نگرانی‌ها نیز تا حدی محقق شده است. طی دو سال گذشته تحقیقات سرویس‌های امنیت ملی مصر نشان داد که گروه تروریستی داعش در لیبی تلاش زیادی در استفاده از برخی افراد بازگشته از جنگ به کار گرفته تا گروهک‌های تروریستی را در داخل مصر از جمله در مناطق صحرای غربی و قاهره بزرگ ایجاد کند.

در همین رابطه برخی اطلاعات موجود نشان می‌دهد که عناصر تروریستی حتی از ملیت‌های مختلف بنا به دستور مصری‌ها به این کشور وارد شدند و مناصب فرماندهی در سازمان القاعده یا داعش را بر عهده می‌گیرند، آنها تلاش دارند در آنچه که جهاد درخشان در مصر نامیده اند، سهیم باشند. در همین راستا بود که ایمن الظواهری در 24 ژانویه سال 2014 از عناصر گروه تروریستی القاعده در مصر خواست تا پناهگاه امنی را برای سایر عناصر القاعده که به این کشور می‌روند، مهیا کنند و از آن‌ها حمایت نمایند. جالب اینجاست که حتی قبل از اینکه انصار بیت المقدس هواداری خود از داعش را اعلام کند، رابطه گسترده‌ای بین مبارزان خارجی و مزدوران داخلی این گروه وجود داشت.

احتمال پدید آمدن دولت‌های کوچک تروریستی

همان گونه که حضور گسترده مبارزان خارجی نقش سرنوشت‌سازی در اعلام امارت اسلامی مستقل در استان کونار در افغانستان در سال 1989 داشت، در لیبی نیز بعد از اینکه در سپتامبر 2014 شیخ ابوالبراء الازدی به شهر درنة رسید، عامل مهمی در تأسیس ولایت برقه شامل شهرهای طبرق و بنغازی و درنة شکل گرفت. در آن زمان صدها نفر از مردم لیبی که در سوریه مبارزه کرده بودند و در صفوف داعش قرار داشتند، در اطراف الازدی تجمع کردند. این گروه نام خود را سازمان شورای جوانان اسلام گذاشته و با ابوبکر البغدادی بیعت کردند. در سایه فرماندهی این فرد درگیری‌های سختی بین رقبا با هم به وجود آمد و

مجموعه ای از ترورهای قاضیان و مسئولان دولتی و فعالان شهری شکل گرفت. ورود شیخ عبدالله القصیمی به لیبی در ژانویه 2500 برای حمایت و پشتیبانی از این امارت تازه تأسیس شده بود. در این اقدام هم صدها تن دیگر از هواداران داعش که از سوریه بازگشته بودند و تابعیت‌های مختلف عربی و آفریقایی داشتند، به این گروه پیوستند.

احتمال حمله به اهداف غربی در منطقه

با بازگشت این مبارزان احتمال افزایش حملات تروریستی بر ضد اهداف غربی در منطقه عربی بالاتر رفته است. عناصری که در کنار داعش مبارزه کرده‌اند، دشمنی خاصی با غرب دارند. همچنین مبارزان خارجی در سوریه دشمنی ویژه‌ای با سازمان‌های غربی و بین‌المللی داشته و عناصر آن را هدف قرار می‌دهند. این همان روشی است که آنها در افغانستان و عراق و سوریه نیز دنبال می‌کنند. همین رویکرد باعث خارج شدن این نیروها یا توقف فعالیت‌های سازمان‌های امدادگران با ماهیت‌های بین‌المللی و افزایش بحران در اوضاع انسانی در مناطق درگیری‌ها شده و چه بسا دامنه خروج مردم به عنوان آوارگان را افزایش داده است. همچنین احتمال ربایش عناصر غربی برای دریافت مبالغ مالی از کشورهای آن‌ها زیاد است. این موضوع به معضلی برای غرب تبدیل می‌شود.

هدف قرار دادن نیروهای حافظ صلح

همان طور که عناصر مسلح خارجی در بالکان نیروهای حافظ صلح و کارگران امدادگران غربی را هدف قرار می‌دادند، مبارزان خارجی و عناصر تروریستی بازگشته از سوریه نیز زمینه‌های هدف قرار دادن نیروهای چندملیتی ناظر در صحرای سینا را فراهم کردند. براساس برخی ارزیابی‌ها تعداد مبارزان خارجی بازگشته از سوریه در میان عناصر موسوم به ایالت سینا در آوریل سال 2015 بالغ بر 1000 نفر بوده است. به همین علت طولی نکشید که اولین تهدیدات واقعی بر ضد نیروهای چندملیتی در ماه ژوئن 2015 شکل گرفت و عناصر این گروه خمپاره‌های خود را به سمت فرودگاه الجوره که مورد استفاده این نیروها بود، شلیک کردند.

هدف قراردادن غیرنظامیان

به احتمال فراوان برخی از تروریست‌هایی که از میدان‌های مبارزه در عراق و سوریه بازگشته‌اند، از خشونت بر ضد غیرنظامیان یا در مناطق جنگی نزدیک به خود استفاده می‌کنند. این موضوع بنا به دلایل ایدئولوژیک یا تاکتیکی خواهد بود. چرا که خشونت‌های روشمند باعث به وحشت انداختن غیرنظامیان شده و آنها تمایل بیشتری برای مالیات دادن به عناصر مسلح این گروه‌ها از خود نشان می‌دهند یا شاید هم برای جلوگیری از شرارت‌های آنها، بخواهند با آنها کار کنند. در همین رابطه می‌توان به تغییراتی اشاره کرد که در میان قبایل و ساکنان بومی در شمال سینا در زمینه همگرایی با "ایالت سینا" ایجاد شده است. این موضوع در نتیجه یورش گسترده این نیروهای مبارز به منطقه شکل گرفته است. این ایالت تهدیدی برای ساکنان منطقه به شمار می‌رود. این گروه تروریستی ده‌ها نفر را به اتهام جاسوسی ترور کرده و به صورت علنی رهبران قبایل مخالف را تهدید کرده است. این روش از سال 2016 تاکنون تعمیق پیدا کرده است، در سال گذشته شنیع‌ترین جنایت‌های کشتار و ذبح شهروندان غیرنظامی به دست عناصر تروریستی ایالت سینا به بهانه دست داشتن در قاچاق مواد مخدر یا همکاری با نیروهای امنیتی مصر یا اهداف فرقه‌ای به وقوع پیوسته است. در روز 9 می سال 2016 عناصر مسلح وابسته به این گروه تروریستی به شهر الزوراء در نزدیکی شیخ زوید حمله کرده و 9 نفر را کشتند. این اقدام خشن‌ترین حمله بر ضد غیرنظامیان مصری در سال 2016 به شمار می‌رود.

این احتمال وجود دارد که در ابعاد انسانی اوضاع از این هم بدتر شود، چرا که کسانی که از مبارزات سوریه باز می‌گردند، تاکتیک‌های خشن‌تری را اتخاذ می‌کنند. برخی از آنها غیر نظامیان را به ویژه از میان اقلیت‌های دینی یا کسانی که با نظام‌های مخالف با تروریست‌ها همکاری می‌کنند را اهداف مشروعی برای خود می‌دانند. چه بسا این افراد از قطع کردن سر مردم استفاده کنند. در واقع سازمان مرکزی داعش به کارکنان بازگشته خود از جنگ سوریه از جمله در سازمان جند الخلافة در الجزایر دستور می‌دهد تا از این تاکتیک استفاده کنند. در مصر نیز گروه تروریستی ایالت سینا در روز 19 نوامبر 2016 فیلمی را منتشر کرد که در آن سر شیخ سلیمان ابو حراز یکی از شخصیت‌های برجسته صوفی‌ها در سینا از تنش جدا شد. شیخ حراز در نیمه اکتبر همان سال از منزلش در العریش ربوده شده بود.

افزایش حملات تروریستی دارای ابعاد فرقه‌ای

این احتمال وجود دارد که کسانی که از مبارزات سوریه و عراق باز می‌گردند، بعد از رسیدن به کشورهای خود موج گسترده‌ای از فرقه‌گرایی را به راه بیندازند. فرقه‌گرایی به صورت گسترده در روند درگیری‌های سیاسی در سوریه و عراق کارکرد داشته است، به گونه‌ای که امروزه به یکی از جذاب‌ترین رویکردهای جمع‌آوری نیرو برای گروه‌های تندروی اسلامی تبدیل شده است. این موضوع به یکی از عوامل اصلی حمایت از داعش در میان حامیان سلفی جهادی از کشورهای عربی تبدیل شده است. نمونه این موارد را می‌توان در بیانیه‌های وزارت کشور عربستان سعودی مشاهده کرد که اعلام کرده است حمله به مساجد شیعیان در مناطق الأحسا و قطیف در سال‌های 2014 و 2015 و 2016 به دست عناصر سعودی صورت گرفته که برخی از آنها از عراق و سوریه بازگشته بودند.

در سال 2016 در مصر نیز جنایت و اقدامات تروریستی زیادی با گرایش‌های فرقه‌ای صورت گرفته است. گرچه این موضوع تاکتیک جدید برای گروه‌های خشونت‌طلب و تروریستی در مصر به شمار نمی‌رود، اما برای اولین بار است که آنها مسئولیت خود را به صورت علنی نسبت به این حوادث را اعلام می‌کنند. این موضوع نشان می‌دهد که حملات فرقه‌ای احتمالاً در میان

اهداف گروه‌های تروریستی قرار گرفته و آنها مجوز هدف قرار دادن دسته جمعی غیر نظامیان مصری را دریافت کرده اند. در همین رابطه در روز 30 ژوئن 2013 عناصر مسلح وابسته به گروه تروریستی ولایت سینا رافائل موسی کاهن مسیحی کلیسای ماری جرجس در العریش را هدف قرار دادند. ترور شیخ سلیمان ابو حراز نیز که پیشتر به آن اشاره شد، بخشی از همین سیاست بود.

احتمال تشکیل شبکه‌های آموزشی تروریستی

شاید عناصر تروریستی که از مبارزات سوریه و عراق بازگشته‌اند، به دنبال ایجاد بستر جنگی مناسب و بزرگتر و تأثیر شبکه‌های آموزشی پیشرفته در گوشه و کنار جهان عرب باشند. آنها می‌خواهند قبل از این که نیروهایی را به مناطق درگیری‌ها اعزام کنند، آنها را آموزش دهند. این موضوع باعث بالا رفتن ارزش و وزنه آنها در میان سرکردگان گروه‌هایی نظیر داعش می‌شود. به عنوان مثال جماعت سلفی دعوت و جهاد الجزایر در سال 2007 قبل از اعزام نیروهای مبارز خود به عراق آنها را آموزش می‌داد تا کارآیی و فعالیت‌های مبارزاتی آنها افزایش پیدا کند. این گروه‌های تروریستی ممکن است از افراد این شبکه‌ها در درگیری‌های جدید استفاده کنند و نسل تازه‌ای از مبارزان تروریست را پدید آورند.

بر کسی پوشیده نیست که داعش و القاعده ایده مرزبندی در جهان اسلام را رد می‌کنند. گروه‌های محلی نیز این دیدگاه را قبول دارند. به عنوان مثال حركة الشباب در سومالی گفتمان خود را در راستای این ایده القاعده تغییر داده و از گفتمان ملی گرایانه دست برداشته است. این موضوع احتمالاً به باز شدن جبهه‌های جدید درگیری‌ها ختم می‌شود.

سوم: نحوه تعامل امنیتی با پدیده تروریست‌های بازگشته از سوریه

سرویس‌های امنیتی و تحلیلگران اطلاعاتی باید در زمینه ارزیابی خطرات ناشی از افرادی که از عرصه مبارزه در سوریه و عراق بازگشته‌اند، برخی مسائل را مدنظر قرار دهند:

اول: ضرورت مشخص شدن مقصد آینده این تروریست‌ها و عواملی که باعث شده آنها عراق و سوریه را ترک کنند. برخی از افرادی که امروز در مبارزات حضور دارند، در صورت فروکش کردن دامنه درگیری‌ها به کشورهای خود باز خواهند گشت، اما بسیاری از آنها ممکن است به عرصه‌های دیگر جنگی در جهان عرب و اسلام بپیوندند. برخی از افراد نیز ممکن است به کشورهای دیگری بروند، چرا که دولت‌های آنها در اقدامات بازگشت آنها سخت‌گیری می‌کند. البته چنین سخت‌گیری‌هایی می‌تواند خطرات ناشی از این عناصر را کاهش دهد، اما مسئولیت و بار سنگین آنها را به دوش طرف‌های دیگر می‌اندازد. احتمالاً سهولت ورود به کشور می‌تواند عامل سرنوشت‌ساز در مشخص شدن مقصد احتمالی تروریست‌های بازگشته از سوریه و عراق باشد. به عنوان مثال بعد از پایان جنگ بر ضد شوروی سابق به افغانستان، القاعده تلاش کند سومالی را به پایگاه عملیاتی خود تبدیل کرده و فعالیت‌های خود را در شاخ آفریقا افزایش دهد، اما ورود و خروج به سومالی بسیار هزینه‌بر و خسته‌کننده بود، علاوه بر این که گروه‌های تروریستی در سومالی همواره هدف حمله قبایل و گروهک‌های سومالیایی قرار می‌گرفتند. همچنین بسیاری از این افراد تلاش کردند به چین بروند، اما اقدامات امنیتی سخت‌گیرانه روسیه مانع از این اقدام شدند. به این ترتیب تعداد افرادی که به این منطقه رفتند، کاهش زیادی پیدا کرد.

دوم: با فروپاشی احتمالی و قریب‌الوقوع داعش باید به مسائل زیر توجه کرد:

باید تمرکز ویژه‌ای در رصد نقل و انتقالات مالی آنها از سوریه و عراق و ارسال کاروان‌های داعش از سوریه و عراق به مناطق دیگر داشت. چرا که این موضوع سیگنال‌های مشخصی در رابطه با چارچوب‌های تروریستی این گروه‌ها برای مرحله بعد از داعش را نشان می‌دهد.

احتمالاً عناصر نجات پیدا کرده خارجی از میان داعش موفق نشوند به کشورهای خود بازگردند، به این ترتیب آنها تلاش خواهند کرد مناطقی را انتخاب کنند تا پناهگاهی امن برای آنها باشد.

عناصر تروریست اروپایی نیز تلاش خواهند کرد به گرایش‌های عربی نزدیک خود ملحق شوند، به عنوان مثال مبارزان فرانسوی و بلژیکی احتمالاً سازگاری بیشتر با مناطق شمال آفریقا یا لبنان داشته باشند و مبارزان آسیای میانه احتمالاً تمایل بیشتری به موضع‌گیری در میان برخی جماعت‌های آسیایی شناخته شده نظیر ایالات خراسان یا جنبش اسلامی ازبکستان داشته باشند. احتمالاً طی ماه‌های آینده برخی شاخه‌های فرعی داعش با افت دچار شده و برخی شاخه‌های دیگر جایگاه آنها را می‌گیرند. این اقدام در چارچوب عملیات تعقیب برای تقویت یا بازسازی مجدد داعش صورت می‌گیرد. برخی گزارش‌های ثبت شده در ژوئن 2016 نشان می‌دهد که تعدادی از عناصر ایالت سینا احتمال فراوان الان در لیبی متمرکز شده اند.

سرکردگان ایدئولوژیک داعش به مرکز ثقل این گروه تروریستی تبدیل می‌شوند و بازی آنها در خارج از مرکز خلافت به این معناست که بازی به پایان رسیده است. لذا مهم است که نسبت به تحرکات آنها هوشیار باشیم. اگر آنها تصمیم به ترک سوریه و عراق گرفتند، آخرین افرادی هستند که این کار را می‌کنند. آنها شاخه‌های امن تر را برای ورود خود انتخاب می‌کنند تا بتوانند حکومت و مدیریت خود بر یک منطقه را تا حد ممکن حفظ کنند.

از آنجایی که گروه‌های تروریستی اراضی زیادی از عراق و سوریه را تحت سلطه خود داشتند، اموال زیادی را برای خود ذخیره کرده‌اند. لذا باید برای عملیات تحرک و نقل و انتقالات مالی داعش به مناطق دیگر هم هوشیار بود. تحلیلگران باید مواظب افزایش عملیات پول‌شویی از طریق بازار سیاه در ترکیه یا لبنان و عراق باشند. شاید هم نقل و انتقالات مالی از طریق سایت‌های اجتماعی به وقوع بپیوندد که داعش فعالیت‌های گسترده‌ای در سطح جهان در این سایت‌ها دارد.

از میان تمامی مناطق موجود، لبنان از همه مهم‌تر به نظر می‌رسد. این اهمیت در نتیجه اوضاع سیاسی داخلی این کشور و

وجود درگیری‌های فرقه‌ای مستمر در آن و اوضاع جغرافیایی این کشور در نزدیکی سوریه و وقوع آن در نزدیکی دشمن مشترک این گروه‌ها یعنی اسرائیل است. علاوه بر این که این کشور هیچ فعالیت بین‌المللی قوی در راستای مبارزه با تروریسم ندارد. به این ترتیب به نظر می‌رسد در دوره فروپاشی حاکمیت داعش در سوریه و عراق، لبنان فرصتی ایده‌آل برای داعش خواهد بود.

سوم: بازگشت عناصر مبارز خارجی فرصت تازه‌ای را برای جمع‌آوری اطلاعات جاسوسی فراهم می‌کند که در صورت عدم وجود این فرصت، جمع‌آوری آنها از این منبع زمان طولانی‌تری نیاز داشت. استفاده گسترده تروریست‌های خارجی از ابزار سایت‌های اجتماعی نظیر فیس‌بوک و توییتر نقطه ضعفی برای آنها است و به سرویس‌های امنیتی و اطلاعاتی اجازه جمع‌آوری اطلاعات از شبکه‌های گسترده در آنها و دریافت اطلاعات در رابطه با تحرکات و فعالیت‌های عناصر مسلح را می‌دهد. همچنین تبادل اطلاعات جاسوسی در سطوح دو طرفه و چند طرفه در این شرایط امری حیاتی و مهم به شمار می‌رود تا تحرکات عناصر مسلح متوقف شده و آنها در شرایط و زمان مناسب عرضه سرویس‌های امنیتی مرتبط بازداشت شوند.